

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

دانشکده علوم سیاسی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M. A)

مطالعات منطقه ای

موضوع:

بررسی سیاست خارجی قطر در دوران پادشاهی حمد بن خلیفه آل

ثانی

استاد راهنما:

سرکار خانم دکتر ملک تاج خسروی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر اردشیر سنایی

پژوهشگر:

الهام عارف نیا

سال تحصیلی:

تابستان ۹۱

سپاس خدایی را که سخنوران، در ستودن او بمانند و شمارندگان، شمردن نعمت های او را ندانند و کوشندگان، حق او را گزاردن نتوانند و سلام و درود بر محمد و خاندان پاک او، طاهران معصوم، هم آنان که وجودمان وامدار وجودشان است، و نفرین پیوسته بر دشمنان ایشان تا روز رستاخیز....

بدون شک جایگاه و منزلت ما در اجل از آن است که در مقام قدر دانی از زحمات بی شائبه او با زبان قاصر و دست نا توان چیزی بنگارم چه واژه ای به تو زیبد به غیر از واژه عشق که در نظام طبیعت سفیر یزدانی تقدیم واژه کم بهایی است برای آنکه تمام عمرش را صرف امروزم کرد.

مادرم این کمترین، پیشکش بهترین

اما از آنجایی که تجلیل از معلم، سپاس از انسانی است که هدف و غایت آفرینش را تامین می کند و سلانت امانتهایی را که به دستش سپردند، تضمین بر حسب وظیفه و از باب من لم یشکر المنعم من الخلوین لم یشکر الله عزوجل؛

از استاد با کمالات و شایسته سرکار خانم دکتر خسروی که همواره بر کوتاهی و درستی من قلم عفو کشیده و کریمانه از غفلت‌هایم گذشته اند و در تمام عرصه های زندگی یار و یاور بی چشم داشت برای من بوده اند .

از استاد با تقوا جناب آقای دکتر سنایی که زحمت مشاوره این رساله را در حالی متقبل شدند که بدون مساعدت ایشان این پروژه به نتیجه مطلوب نمی رسید و از استاد فرزانه و دلسوز جناب آقای دکتر توحیدفام که زحمت داوری این رساله را متقبل شدند کمال تشکر و قدردانی را دارم .

## تعهذنامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانف الهام عارف نیا دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد به شماره دانشجویی ۸۸۵۳۴۳۰۰۰۰۱ در رشته مطالعات منطقه ای که در تاریخ ۹۱/۶/۲۰ از پایان نامه خود تحت عنوان بررسی سیاست خارجی قطر در دوران پادشاهی حمد بن خلیفه آل ثانی با کسب نمره و درجه دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم:

۱- این پایان نامه حاصل تحقیق رو پژوهش انجام شده توسط اینجانف بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه های موجود نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام.

۲- این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاهها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.

۴- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانف مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی:

تاریخ و امضاء:

بسمه تعالی

در تاریخ ۹۱/۶/۲۰

الهام عارف نیا دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه ای از پایان نامه خود دفاع نموده و با نمره  
به حروف و با درجه مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول: کلیات پژوهش.....
۲	۱-۱- بیان مسئله.....
۵	۲-۱- اهمیت موضوع تحقیق و انگیزه انتخاب آن.....
۶	۳-۱- سؤالات و فرضیات و متغیرهای پژوهش.....
۶	سؤال اصلی.....
۶	فرضیه اصلی.....
۶	۱-۳-۴- سؤالات فرعی ۱.....
۶	۲-۳-۴- سؤالات فرعی ۲.....
۶	۳-۳-۴- سؤالات فرعی ۳.....
۷	متغیرها.....
۹	۴-۱- مفاهیم کلیدی پژوهش.....
۱۱	۵-۱- مدل تحقیق و روش گردآوری داده ها.....
۱۲	۶-۱- ادبیات و پیشینه تحقیق.....
۱۲	۱-۶-۱- ادبیات موجود.....
۱۴	۲-۶-۱- نوآوری پژوهش حاضر.....
۱۵	۷-۱- سازماندهی پژوهش.....
۱۷	فصل دوم : چارچوب نظری پژوهش.....
۱۸	۱-۲- معنای کشور کوچک در سیاست خارجی.....
۲۰	۲-۲- الگوی نظری در سیاست خارجی.....
۲۲	۳-۲- کاربرد الگوهای نظری در تحلیل سیاست خارجی در خصوص کشورهای کوچکی.....
۲۶	۴-۲- مفهوم قدرت نرم.....
۲۸	۵-۲- برنדיنگ یا نشان داری و قدرت نرم.....

فصل سوم: پیشینه ی مقتضیات استراتژیک قطر.....	۳۱
۱-۳- محیط استراتژیک قطر .....	۳۲
۱-۱-۳- تشکیل قطر .....	۳۲
۲-۳- دوران شیخ خلیفه؛ در سایه ی نفوذ عربستان سعودی.....	۳۶
۳-۲-۱- واکنش به نفوذ عربستان سعودی: پادشاهی «حمد».....	۴۱
۳-۲-۲- تواناییها و ناتوانیهای قطر در ارتقای قدرت ملی .....	۴۲
۳-۲-۳- ناتوانیها .....	۴۲
۳-۲-۴- تواناییها .....	۴۵
۳-۲-۵- «حکمرانی خوب» توانایی است؟.....	۴۷
فصل چهارم: تحلیل نظری سیاست خارجی قطر.....	۵۰
۱-۴- سیاست خارجی قطر و الگوهای نظری تحلیل سیاست خارجی .....	۵۱
۱-۱-۴- واقع گرایی به مثابه رویکرد اصلی در سیاست خارجی قطر.....	۵۲
۲-۱-۴- گونه شناسی واقعگرایی در سیاست خارجی قطر.....	۵۷
۲-۴- قطر به مثابه یک کشور کوچک و سیاست خارجی آن.....	۶۱
۳-۴- مبانی تحول در سیاست خارجی قطر توسط حمد بن خلیفه.....	۶۸
۳-۴-۱- دیپلماسی عمومی قطر.....	۷۰
۳-۴-۲- برندینگ در سیاست خارجی.....	۷۲
فصل پنجم: شیخ حمد بن خلیفه و قطر نوین.....	۷۶
۱-۵- حمد بن خلیفه و تحول در اقتصاد قطر.....	۷۷
۱-۱-۵- تحول در اقتصاد انرژی قطر.....	۷۷
۱-۲-۵- تلاش برای توانمند سازی شهروندان قطری .....	۷۹
۱-۳-۵- قطر و اقتصاد حمل و نقل.....	۸۰
۱-۴-۵- تأثیر ثروت بیشتر بر دیپلماسی.....	۸۲
۲-۴- تسویه حساب با همسایگان و رابطه با قدرت‌های بزرگ .....	۸۳
۲-۲-۵- موضوع اختلافات ارضی.....	۸۳
۲-۲-۵- مسابقه تسلیحاتی در خلیج فارس .....	۸۳

۸۵	۳-۲-۵- نزدیکی به قدرتهای بزرگ
۸۷	۳-۵- الجزیره و دیپلماسی رسانه‌ای قطر
۹۰	۴-۵- فعالسازی تحرکات دستگاه دیپلماسی
۹۱	۱-۴-۵- دیپلماسی میانجی‌گری
۹۱	۲-۴-۵- زمینه و مقدمات
۹۳	۳-۴-۵- اجرای دیپلماسی میانجی‌گری
۹۴	۵-۵- دیپلماسی بالانسی
۹۵	۱-۵-۵- قطر و مسئله صلح اعراب و اسرائیل
۹۷	۲-۵-۵- میانجیگری در بحران لبنان
۱۰۰	۳-۵-۵- قطر و رهیافت بالانسی در شورای امنیت
۱۰۱	۴-۵-۵- قطر و بازیگران یاغی: دیپلماسی هیبریدی
۱۰۵	۵-۵-۵- قطر و جمهوری اسلامی ایران
۱۰۹	۶-۵-۵- قطر و بهار عربی
۱۱۰	۱-۶-۵- قطر و شروع بهار عربی
۱۱۳	۲-۶-۵- قطر و انقلاب لیبی
۱۱۵	۳-۶-۵- انقلاب سوریه و نقش قطر
۱۱۸	جمع بندی و نتیجه‌گیری
۱۲۹	ضمائم
۱۳۶	منابع و مآخذ



# فصل اول

## کلیات پژوهش

۱-۱- بیان مسئله

بررسی سیاست خارجی کشور کوچک پادشاهی قطر موضوع اصلی پژوهش حاضر است. آنچه این پژوهش به دنبال شرح و توضیح آن است تحولاتی است که در جایگاه و قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی این امیر نشین کوچک خلیج فارس در مدت زمان کمتر از دو دهه‌ی اخیر رخ داده است. تحولاتی که با آغاز آن از زمان به تخت نشینی امیر حمد بن خلیفه آل ثانی در ۱۹۹۵ تاکنون به صورت بنیادینی سبب تحول در اعتبار و موقعیت سیاسی و امنیتی قطر نه فقط در سطح کشورهای خلیج فارس و منطقه‌ی خاور میانه که حتی در سطح بین‌المللی گردیده است. تبیین چگونگی این تحول و ارتقای قدرت، موضوعی جالب توجه و نو برای تحقیق و پژوهش درباره سیاست و حکومت در منطقه‌ی خاور میانه و خلیج فارس است.

این نوبودن و تازگی گرچه پژوهش را دارای این مزیت می‌کند که به موضوع جدیدی می‌پردازد اما به دلیل تازگی موضوع و در جریان بودن تحولات مرتبط با آن، پژوهش را دچار سختی‌ها و دشواری‌هایی نیز می‌سازد.

قطر کشوری با سابقه چندان طولانی نیست. از زمان استقلال در ۱۹۷۱ و حتی پیش از آن قطر خود را در حالت ضعف مفرط از نظر قدرت ملی می‌دیده است. این ضعف تا آنجا بود که حتی دسته‌های بزرگی از نخبگان سیاسی و خاندان حاکم مخالف استقلال قطر به عنوان یک کشور مستقل بودند. آنها چنین می‌اندیشیدند که بهتر است قطر به عنوان یک عضو دیگر به مجموعه‌ی امارات متحده عربی بپیوندد (کریستال، ۱۳۷۸، ۲۳۴). اما سرانجام هواداران اندیشه‌ی استقلال قطر به عنوان یک کشور مستقل توانستند نظر خود را پیش ببرند و استقلال امیر نشین قطر را به زعامت امیر خلیفه اعلام کنند. این اعلام استقلال به عنوان یک کشور مستقل به منزله‌ی آن نبود که مشکل ضعف قدرت ملی قطر حل شده است. بلکه تنها به منزله‌ی شروع دوره طولانی از یک سیاست خارجی همراه با چالش و درگیری با همسایگان بود.

قطر از طرفی دچار اختلافات ارضی دیرپا و خصومت آمیز با بحرین و عربستان سعودی بود. به علاوه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۱۹۷۹ و پس از آنکه عربستان سعودی بدل به کشور رهبری

کننده‌ی جریان حفظ وضع موجود<sup>۱</sup> در خلیج فارس گردید، قطر خود را ناگزیر از پیروی و متابعت از ریاض می‌دید. برای قطر عضویت در شورای همکاری خلیج فارس به صورتی بود که باید تابع و پیرو عربستان سعودی باشد. در جریان حمله‌ی عراق به کویت این مسئله وجه بارز خود را روشن‌تر ساخت. بهره‌مندی از امنیت، بدون همکاری و رهبری عربستان سعودی غیر ممکن می‌نمود. کمی بعد، زمانی که مناقشات مرزی با عربستان سعودی و بحرین دوباره بالا گرفت قطر خود را بیشتر قربانی ضعف خود می‌دید. این کشور جمعیتی بسیار اندک دارد. هنوز هم تعداد جمعیت بومی بسیار اندک است؛ در سال ۲۰۱۱ اندکی بیش از ۳۵۰ هزار نفر (CIA، ۲۰۱۱). از همین رو کشور نمی‌تواند نیروهای مسلح به اندازه‌ای قابل قبول - حتی آن اندازه که امارات متحده عربی، بحرین، عمان یا کویت تشکیل داده‌اند - ایجاد کند.

تا میانه‌ی دهه‌ی ۱۹۹۰ نیز به نظر نمی‌آمد که امیر خلیفه چندان به فکر اصلاحاتی اساسی برای کشور باشد. امیر خلیفه چندان در این اتکای به عربستان سعودی و موقعیت حساس و ضعیف کشور حساس نبود. سرانجام او با کودتایی بدون خونریزی توسط فرزندش «حمد» از قدرت برکنار گردید. او به عربستان گریخت. دولت سعودی تلاش‌های بسیاری نمود تا خلیفه را به قدرت بازگرداند. زیرا در غیر این صورت دوستی وفادار و بدون مشکل را از دست می‌داد. فشارها و اعمال نفوذهای سعودی به صورت آشکار و نهان توسط امیر جدید «حمد» خنثی گردید و او به سرعت به تحکیم پایه‌های قدرت خود پرداخت. به علاوه مزدوران و وفاداران به پدرش را نیز که از سوی عربستان سعودی حمایت می‌شدند به سرعت ریشه‌کن کرد.

حمد بن خلیفه را باید معمار قطر نوین و ایجادکننده‌ی تحوّل انقلابی در این کشور دانست. تحوّل که سبب شد یک کشور بسیار کوچک و ضعیف بدل به یکی از مهم‌ترین بازیگران سیاسی منطقه‌ای و جهانی شود و از نظر توان اثرگذاری و تأثیر بر معادلات قدرت در جهان عرب و خاورمیانه از مدعیانی چون عربستان سعودی، ترکیه و جمهوری اسلامی ایران نیز پیشی بگیرد. نموده‌های این پیشی گرفتن در تأثیرگذاری به روند تحولات سیاسی و امنیتی منطقه‌ای و حتی جهانی بسیار زیاد و قابل

---

<sup>۱</sup> - Status-qua

توجه‌اند به صورتی که دیگر نمی‌توان قطر را یک پادشاهی ضعیف و کوچک محسوب کرد. بلکه سطح اثرگذاری و نفوذ آن بسیار بیش از همتایان دیگر اوست.

توسعه‌ی اقتصادی حیرت آور قطر در یک دهه‌ی گذشته سبب شده تا به این کشور به عنوان یکی از کشورهایی که می‌تواند اقتصاد جهانی را از بحران خارج کند نگریسته شود. شبکه‌ی تلویزیونی الجزیره نقش بسیار مهمی در سیطره بر افکار عمومی در جهان عرب دارد. جام جهانی فوتبال در سال ۲۰۲۲ قرار است در قطر برگزار شود. قطر توانست به عضویت موقت شورای امنیت درآید و سرانجام توانست در جریان تحولاتی که انقلاب‌های عربی سال ۲۰۱۱ را رقم زد بیشترین نقش را در هدایت رخدادها داشته باشد. قطر که پیش از آن جایگاه خود را به عنوان یک میانجی مورد اعتماد در جریان تنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی تثبیت ساخته بود به عنوان اصلی‌ترین حامی مخالفان رژیم‌های لیبی و سوریه با موفقیت بسیاری تمامی رقیبان خود را تحت الشعاع قرار داد.

منطق این اقدامات قطر بر اساس تصمیم اساسی و مهمی بود که امیر حمد بن خلیفه در مورد سیاست خارجی و امنیت ملی کشور اتخاذ نمود. او بر خلاف پدر تاجدار خود، تصمیم گرفت که از زیر سیطره و هژمونی که عربستان سعودی بر منطقه خلیج فارس تحمیل می‌نمود خارج شود. در این جهت او تلاش خود را مصروف ایجاد نظام‌هایی از موازنه‌ی قدرت در برابر عربستان نمود. به علاوه تلاش نمود روابط خود با غرب را به گونه‌ای سامان دهد که خود را به شکل شریکی قابل اعتمادتر نسبت به سعودی بنمایاند. با درکی صحیح از مفهوم «به‌زمامداری» یا «حکمرانی خوب»<sup>۱</sup> قدرت ملی قطر را در هر دو بعد سخت افزاری- به‌ویژه از نظر اقتصادی- و نرم افزاری (فرهنگی، رسانه‌ای و معنوی) ارتقا دهد. به طور کلی مجموعه‌ی تحولاتی که در سیاست داخلی و خارجی قطر در دوره‌ی حکمرانی امیر حمد بن خلیفه رخ داد قدرت و جایگاه و اهمیت قطر را چنان متحول نمود که بسیاری از تحلیل‌گران گفته‌اند باید از تولد یک قدرت سیاسی جدید در منطقه سخن گفت.

تیین سمت و سوی این تحول سریع و بنیادین در سیاست خارجی و ضریب نفوذ و تاثیرگذاری این کشور کوچک بر تحولات و مناسبات منطقه‌ای محور اصلی این پژوهش است. در این پژوهش تلاش

---

<sup>۱</sup> Good-governance

می‌شود تا با بهره گرفتن از مقدمات دانش تحلیل سیاست خارجی و روابط بین‌الملل، تحول، اهداف دستگاه تصمیم‌گیری سیاسی قطر در ورود به این فرآیند و پیامدهای آن برای این کشور، منطقه‌ی خلیج فارس و خاورمیانه توضیح داده شود.

## ۱-۲-۱- اهمیت موضوع تحقیق و انگیزه انتخاب آن

موضوع پژوهش حاضر هم برای دانش سیاست و هم روابط بین‌الملل واجد اهمیت است. از جنبه‌ی دانش سیاست نظری می‌تواند به خوبی مسائل مربوط به الگوها و پارادایم‌های ائتلاف‌های منطقه‌ای و تحولات در آنها را روشن سازد. به‌ویژه این دانش در مورد منطقه‌ی خلیج فارس با تحولاتی که در دهه‌ی اخیر رخ داده است بسیار جدی است. بر خلاف دیدگاه پذیرفته‌شده و غالب که نظم کنونی و حاکم در خلیج فارس را تداوم همان نظمی می‌داند که از زمان آزادسازی کویت از اشغال عراق تاکنون باقی مانده است، پژوهش حاضر نشان خواهد داد که آن الگو بر اثر اقدامات و فعالیت‌های دولت قطر از درون با تحولاتی همراه گردیده است. به علاوه الگوی معمول عمل و تصمیم‌گیری در سیاست خارجی کشورهای کوچک که مبتنی بر تصمیم‌گیری و اقدام دسته جمعی و هم‌افزایانه بود دچار تغییری اساسی گردیده است.

در بعد سیاست عملی، نمونه‌ی پژوهشی قطر نشان خواهد داد که دولت‌های کوچک با توسل به چه خط مشی‌های عملی و تصمیم‌سازی‌هایی<sup>۱</sup> در عرصه‌ی سیاست خارجی می‌توانند جایگاه و سطح قدرت خود را ارتقاء دهند و میزان اثرگذاری و نفوذ خود بر تحولات سیاسی را افزایش دهند. ارتقای قدرت و افزایش نفوذی که حاصل آن چیزی جز افزایش بهره‌مندی از امنیت، کنترل عوامل ناامنی، حداکثرسازی تحقق و پوشش منافع ملی و پیشینه ساختن عزت ملی و استقلال ملی نخواهد بود. از این رو نمونه‌ی قطر به خوبی می‌تواند نشان دهد که چگونه می‌توان به صورتی مطلوب از فرصت‌ها بهره‌مند گردید و با اقدامات و تصمیمات مطلوب تهدیدات رخ داده را به زمینه‌هایی برای فرصت‌سازی جهت ارتقای قدرت و نفوذ ملی تبدیل ساخت. در این مسیر الگوهایی چون «نشان

---

<sup>۱</sup> Policy-making

سازی»<sup>۱</sup>، «قدرت نرم» و مهم‌تر از همه نقش «به‌زامداری» یا «حکمرانی خوب» مورد تاکید قرار می‌گیرد.

### ۱-۳-سوالات و فرضیات و متغیرهای پژوهش

#### سؤال اصلی

سیاست خارجی قطر در دوران حمدبن خلیفه آل ثانی براساس چه الگوی عملی و عینی توانست موجب ارتقای جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی قطر را فراهم سازد؟

#### فرضیه اصلی

سیاست خارجی قطر در دوران حمدبن خلیفه آل ثانی با یک دیپلماسی دوگانه و برندسازی کشور کوچک قطر را به یک بازیگر سیاسی مهم منطقه و جهانی تبدیل کرد.

#### سوالات فرعی

۱-۳-۴-۱- سؤال فرعی ۱:

سیاست خارجی قطر برای ایجاد موازنه قدرت در برابر عربستان سعودی بر اساس چه الگوی نظری در دانش روابط بین‌الملل قابل تحلیل است؟

۱-۳-۴-۲- سؤال فرعی ۲:

دولت‌های کوچک<sup>۲</sup> برای ارتقاء قدرت خود چه وسایل و ابزارهایی را می‌توانند به کار برند؟

۱-۳-۴-۳- سؤال فرعی ۳:

قدرت نرم برای تأمین منافع ملی و ارتقاء بهره‌مندی از امنیت بیشتر برای یک کشور چه جایگاه و اهمیتی دارد؟

#### فرضیات فرعی

فرضیه فرعی ۱

---

<sup>۱</sup>-branding

<sup>۲</sup>-small-state

واقع گرایی نئو کلاسیک نزدیک ترین گونه واقع گرایی در میمان الگوهای نظری در دانش روابط بین الملل در تحلیل سیاست خارجی قطر در دوره مورد بررسی است.

## فرضیه فرعی ۲

دولت های کوچک به سبب عدم امکان توسعه توان مندی های خود در حوزه های قدرت سخت افزاری به حوزه های قدرت نرم، برند سازی، دیپلماسی عمومی و تحرک بین المللی برای ارتقای قدرت خود روی می آوردند.

## فرضیه فرعی ۳

قدرت نرم در حوزه هایی که قدرت سخت قابلیت اعمال ندارد یا آنکه حجم غیر قابل دستیابی از قدرت سخت مورد نیاز است کارآمدترین وسیله برای تأمین منافع ملی و ارتقاء بهره مندی از امنیت بیشتر برای یک کشور است.

## متغیرها

متغیر مستقل: قطر به عنوان بازیگر سیاسی منطقه و جهان

متغیر وابسته: دیپلماسی دو گانه و برند سازی

## اهداف پژوهش

هدف اولیه پژوهش حاضر ارائه تبیینی از پویایی ها و تحولاتی است که سیاست خارجی قطر در دوره حکومت حمد بن خلیفه پشت سر گذشت است. اهداف، رویارویی ها، ائتلافات و استراتژی هایی که برای تحقق اهداف سیاست خارجی قطر توسط وی مورد پیگیری قرار گرفته اند از این لحاظ مورد نظر خواهند بود.

اهداف فرعی در پژوهش حاضر بررسی سیاست خارجی یک کشور کوچک و ارتقای قدرت آن و لوازم آن برای این ارتقای قدرت، کاربست های قدرت نرم، اثرات آن بر صحنه سیاسی و در عین حال پیامدهای سیاسی صعود قطر در سلسله مراتب قدرت منطقه ای بر موازنه قدرت در خاورمیانه خواهد بود.

## قلمرو پژوهش

پژوهش حاضر بر حوزه سیاست خارجی و امنیت ملی محدود خواهد ماند. با این وجود از آنجا که سیاست خارجی و امنیت ملی پیوندی تنگاتنگ با حکمرانی داخلی، توسعه اقتصادی و دیگر فاکتورهای قدرت ملی دارند در خصوص قطر ناگزیر به بررسی پاره ای از متغیرهای داخلی که بر قدرت ملی و از طریق آن بر سیاست خارجی و امنیت ملی اثر گذارند بپردازیم.

## موانع و دشواری های پژوهش

نخستین دشواری عمده پژوهش حاضر به تازگی و نو بودن آن باز می گردد. بسیاری از تحولات مورد اشاره در این پایان نامه هنوز در حال رخ دادن هستند و به اتمام نرسیده اند و ارائه قضاوتی مختومه و در بست در باره آنان بسیار دشوار خواهد بود. بی شک پاره ای از یافته های پژوهش حاضر در آینده نیازمند تجدید نظرهایی خواهند بود.

مانع دیگر پژوهش حاضر فقدان یا به عبارت بهتر کمبود اطلاعات مناسب در خصوص قطر به طور کلی و سیاست خارجی کشورهای کوچک در زبان فارسی است. همچون دیگر شاخه های علوم انسانی به طور کلی و علم سیاست به خصوص در ایران در این زیر شاخه از تحقیقات سیاسی و روابط بین الملل نوشته ای در زبان فارسی وجود ندارد و به ناگزیر توجه به حجم عظیمی از نوشته انگلیسی که به یمن اینترنت فراهم گردید واقع شد.

واپسین مانع موجود در سر راه پژوهش حاضر دور بودن آن از فضای کلی تحقیقات جاری در جریات پایان نامه های دانشجویی در ایران است. نوشته حاضر اثری خلاف آمد عادت است و کوشیده شده تکراری نباشد و از تکرار مکررات دیگر پایان نامه ها که اغلب در قالب رونویسی از یکدیگر هستند خارج شود. به همین سبب هم برای فضای کلی دانشگاهی عجیب به نظر می آید. مسئله ای که خود را چه در انتخاب موضوع و چه در چارچوب نظری خود را به خوبی نشان می دهد.



## ۱-۴- مفاهیم کلیدی پژوهش

کشور کوچک: در ادبیات رشته «روابط بین الملل» به کشورهای با وسعت اندک، جمعیت کم، فاقد عمق استراتژیک، درآمد سرانه و تولید ناخالص ملی قابل توجه و نیروهای نظامی کوچک اطلاق می شود. کشورهای کوچک اغلب و نه همیشه ضعیف هستند و در قالب جمعی و گروهی عمل می کنند. (Vital, ۱۹۷۱, ۳-۴)

قدرت: در سیاست خارجی امکان خاص یک عامل یعنی بازیگر محیط بین المللی به خاطر داشتن موقعیتی در روابط بین الملل و ترتیبات سیاسی است که با اتکای آن اراده‌ی سیاسی خود را با وجود مقاومت به کار بندد و محقق سازد. قدرت در اصطلاح دانش جامعه شناسی به معنی توانایی افراد یا اعضای یک گروه برای دستیابی به هدف‌ها و یا پیشبرد منافع خود از راه واداشتن دیگر افراد جامعه به انجام دادن کاری خلاف خواسته‌ی آنهاست. قدرت یک مزیت اجتماعی است که در قشر بندی مورد توجه قرار می گیرد. بسیاری از ستیزه‌ها در جامعه مبارزه برای قدرت است زیرا میزان توانایی یک فرد در دستیابی به قدرت بر این امر که تا چه اندازه می توانند خواسته‌های خود را به زبان خواسته‌های دیگران به مرحله‌ی اجرا درآورند تاثیر می گذارد. قدرت می تواند از طریق عضویت در یک طبقه‌ی اجتماعی یا پذیرفتن یک نقش سیاسی به دست آید. (نای، ۱۳۹۰، ۲)

قدرت نرم: «قدرت نرم» در برابر «قدرت سخت» قرار دارد. قدرت سخت قدرت مبتنی بر کاربرد ابزارهای مادی و عینی همچون نیروی نظامی و توان اقتصادی است ولی قدرت نرم مبتنی بر اقناع، حکومت بر افکار عمومی و پیروزی تبلیغاتی است. توانایی تاثیرگذاری بر دیگران برای کسب نتایج مطلوب از طریق جذابیت به جای اجبار یا تطمیع است. این مفهوم را نخستین بار جوزف نای از دانشگاه هاروارد در سال ۱۹۹۰ در کتابی تحت عنوان تغییر ماهیت قدرت آمریکایی مطرح کرد. وی در سال ۲۰۰۴ مفهوم قدرت نرم را در کتاب قدرت نرم: راه موفقیت در سیاست جهانی بسط داد. (نای، ۱۳۹۰، ۱-۲)

دیپلماسی عمومی: بر خلاف «دیپلماسی رسمی» که محدود به رابطه با دولت‌هاست، دیپلماسی عمومی می‌کوشد رابطه‌ی دولت خودی با مردم کشورهای دیگر را به صورت بلاواسطه برقرار سازد و افکار عمومی و ذهنیت مخاطبان را با سیاست خارجی خود همراه سازد. (ملیسن، ۱۳۸۸)

برندسازی: اصطلاحی که از اقتصاد و تجارت به تحلیل روابط بین الملل راه یافته است. هر کشور، صاحب برند یا نشان خاصی است که معرفی‌کننده‌ی سیاست خارجی آن کشور است. این نشان می‌تواند در جلب و کسب توافق افکار عمومی بین‌المللی یا برعکس، نامساعد نمودن آن نسبت به سیاست خارجی کشور خود عمل کند. مثلاً حمایت از دموکراسی می‌تواند برای یک کشور و حمایت از تروریسم برای کشور دیگر برند یا نشان سیاست خارجی به حساب آید. (Morphy, ۱۹۸۷)

دیپلماسی هیبریدی یا دوگانه: گونه‌ای از رفتار در سیاست خارجی کشورها مبتنی بر تلاش برای بیشینه‌سازی حرکت میانه در خط‌مشی سیاست خارجی برای جلب همراهی قطب‌های قدرت گوناگون و گاه متعارض است. برای مثال قطر در حالی که با آمریکا روابط گرمی داشت دارای روابط گرمی نیز با تهران بود. (Cooper and Momeni, ۲۰۱۱)

واقع‌گرایی نئوکلاسیک: گونه‌ای از نوع متاخر واقع‌گرایی است که با تاکید بر سرشت به‌کلی متحول قدرت و جلوه‌های جدید و نامحدود آن می‌کوشد اصول واقع‌گرایی کلاسیک مبتنی بر سیاست قدرت، استراتژی مهار و ایجاد موازنه‌های قدرت را با پویایی‌های جدید و متغیر محیط و روابط بین‌المللی همراه سازد. (میرشایمر، ۱۳۸۸، ۳۳۴)

موازنه قدرت یا توازن قوا: اصطلاح لاتینی «اکولیبیریوم» به معنی ایجاد و در برابر هم نهادن مجموعه‌ای از بازیگران سیاسی، برای متعادل نمودن قدرت یکدیگر است. کنسرت اروپا بعد از صلح وستفالی، نمونه‌ی کلاسیک و سنتی آن در تاریخ روابط بین‌الملل و مثال متداول در محیط‌های دانشگاهی و پژوهشی سیاست خارجی است. (*Ibid*)

به زمامداری یا حکمرانی خوب: نظریه‌ای انتقادی است که نظریات پیشین مرتبط با رشد و توسعه را به چالش طلبیده و مورد نقد و طرد کلی قرار داده است و آن است که توسعه مقوله‌ای صرفاً اقتصادی نیست. به عبارت بهتر تنها متغیرهای اقتصادی یا تصمیمات پولی، مالی یا اقتصادی نمی‌توانند

پیشرفت اقتصادی را محقق کنند بلکه به گونه ای بسیار گسترده تر این عوامل، متغیرها و فضای تصمیم گیری سیاسی و حکمرانی است که شرایط پیشرفت و توسعه را فراهم می سازند و برای تصمیمات و متغیرهای اقتصادی امکان عمل به صورتی مطلوب و بهینه را مقدور می کنند. این نخستین و کلیدی ترین نقد نظریه ی حکمرانی خوب بر نظریات متداول توسعه می باشد. به عبارت بهتر جایگاه یک کشور را حکمرانی سنجیده، از نظر فساد سالم، شفاف و قانونمند ارتقا می دهد. (, Wright and Kamrava, ۲۰۰۳,ii)

### ۱-۵- مدل تحقیق و روش گردآوری داده ها

پژوهش حاضر از نوع کیفی و تحلیلی می باشد. بدیهی است که انجام این تحلیل کیفی بدون فراهم کردن بازشناسی صحیح و روشنی از متغیر «قدرت»- همان گونه که در چارچوب نظری پژوهش توضیح داده شد ممکن نخواهد بود. به همین دلیل متغیرهای مختلفی که در رابطه با متغیر قدرت هستند مورد بررسی قرار خواهند گرفت. روش گردآوری داده ها نیز به شیوه کتابخانه‌ای است. به دلیل زنده و در معرض تحول بودن موضوع پژوهش و داده‌های مرتبط با آن، میزان اتکاء بر منابع اینترنتی مستند و مورد اعتماد بسیار بیش از منابع چاپ شده به شکل کتاب مقالات و نشریات می باشد.

### ۱-۶- ادبیات و پیشینه تحقیق

#### ادبیات موجود

از نظر تاریخی قطر به عنوان یک کشور کوچک و نسبتاً کم اهمیت چندان از منظر پژوهش‌های مربوط به سیاست جهانی و مطالعات منطقه‌ای درباره خاورمیانه مورد توجه نبوده است. اوضاع سیاسی بسیار آرام داخلی، فقدان جنگ و منازعه مسلحانه و اهمیت کمتر اقتصادی سبب شده بود برای بیش از سه دهه یعنی از زمان استقلال قطر تا یک دهه پیش چندان توجهی به این امیرنشین کوچک نشود. توجهات در حوزه مطالعات منطقه‌ای درباره کشورهای خلیج فارس معطوف به آن کشورهایی بود که

یا با منازعات داخلی و ناآرامی‌های مرگبار دست به گریبان بودند (مانند عمان و بحرین) یا آنکه مورد حمله خارجی قرار می‌گرفتند (مانند کویت) یا آنکه با اتکاء به ثروت خود و نیز اهمیت سیاسی شان می‌توانستند نقش بسیار فعالی در تحولات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایفاء کنند. (مانند امارات عربی متحده و عربستان سعودی). به طور کلی جدید بودن موضوع پژوهش حاضر و نوین بودن قدرت-گیری قطر در یک دهه‌ی گذشته، به انضمام فقدان ادبیات فارسی قابل توجه درباره‌ی قطر سبب گردیده است که هیچ پایان‌نامه‌ای به زبان فارسی در خصوص سیاست خارجی قطر در دانشگاه‌های ایران تالیف نگردیده است. به طور کلی موضوع قطر در سطح تالیف کتاب و پژوهش‌های غیردانشگاهی هم چندان مورد توجه نبوده است.

قطر برکنار از این مسائل چندان مورد توجه نبود. آثاری نیز که در این مورد نوشته می‌گردید بر این مسئله تأکید داشتند. از معتبرترین آنها می‌توان به کتاب بسیار ارزنده جیل کریستال اشاره کرد. (کریستال، ۱۳۷۸) در سایر آثار موجود نیز چنین سکوتی درباره قطر مشاهده می‌شود. مطالبی که در رابطه با قطر به رشته‌ی تحریر در آمده است محدود به این مراجع می‌گردد

(مثلاً مجتهدزاده، ۱۳۸۰) و (ولدانی، ۱۳۷۴، ۱۳۷۲، ۱۳۷۱). آثار فوق بیش از آنکه واجد جنبه‌هایی تحلیلی در خصوص تحلیل سیاست خارجی و پویای‌های حاکم بر مناسبات خارجی قطر باشد توصیف‌های جغرافیایی هستند. در سطح دانشگاهی نیز علی‌رغم جستجوهای نسبتاً مفصلی که انجام گرفت پایان‌نامه‌ای که به صورت مستقل یا مبسوط به سیاست خارجی قطر پرداخته باشد یافت نگردید.

اما روی کار آمدن حمد بن خلیفه و تحولات عمیقی که قطر با او تجربه کرد سبب شد تا طیف متنوعی از آثار در خصوص ارتقای جایگاه و قدرت قطر و افزایش میزان نفوذ و تأثیرگذاری آن در بعد منطقه‌ای و جهانی نگاشته شود. در مجموعه آثار فوق، همه پژوهشگران متفق القول بودند که قطر طی دهه اول پس از آغاز حکومت حمد بن خلیفه توانسته است از یک سیاست خارجی مستقل، نیرومند و تأثیرگذار برخوردار شود و به خوبی با برجسته کردن عنصر «قدرت نرم» در سیاست خارجی قطر، آن را رقیب بسیار مهم عربستان سعودی اعلام نمودند. (Peterson, ۲۰۰۶), (Rabi, ۲۰۰۸), (wright, ۲۰۰۸)